

حسین بهنام رودسری  
و کیل پایه یک دادگستری

## چگونگی رسیدگی به پرونده‌های موضوعی اصل ۴۹ قانون اساسی در دادگاه‌های انقلاب

مقدمه:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضرورت تعیین تکلیف نسبت به اموال به جا مانده از وابستگان رژیم گذشته و افرادی که به نحوی با آن رژیم در ارتباط بودند امری اجتناب ناپذیر بود در این میان اولویت تعیین تکلیف اموال، متوجه خاندان سلطنتی و افراد نزدیک و خویشان وابسته به رژیم گذشته بود بر این اساس ضرورت داشت که دادگاه‌های ویژه‌ای، مسؤلیت صدور حکم راجع به این عده را برعهده بگیرند. در مقام عینیت بخشیدن به این هدف شعب ویژه دادگاه انقلاب در همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل گردید.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ماه ۵۸، اصل ۴۹ قانون اساسی چنین مقرر نموده: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحبان حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.»

پس از این تاریخ مقررات قانونی دیگری در مقام تحقق بخشیدن به اصل مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید این مقررات عبارت بودند از: قانون الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ در مدت چهار ماه، مصوب ۱۳۶۰/۵/۲۰ مجلس شورای اسلامی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس،

قانون تمدید مهلت مقرر در تبصره ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۵/۱۴ و قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی.

با این توضیح دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی با هدف تعیین تکلیف نسبت به مصادیق اصل ۴۹ قانون اساسی و مآلاً بررسی اموال بجا مانده از آنان و همچنین بررسی و صدور حکم نسبت به اموال بجا مانده از افرادی که در فرامین بعدی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری آمده، شکل گرفت. در نوشتار زیر به پیدایش این محاکم و نحوه دعاوی موضوع اصل ۴۹ و فرامین امام و مقام معظم رهبری در حد اختصار اشاره می‌گردد ذکر این نکته ضروری است که نویسنده صرفاً به وضعیت موجود و روند پیدایش دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ و آنچه در مدار شعب ویژه وجود دارد می‌پردازد نه به آنچه که ایده آل یک شیوه رسیدگی است. به عبارت دیگر «هست و نیست» های شیوه موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد نه بایدها و نبایدهای آن. آنچه که برای یک وکیل دادگستری نیز مهم می‌نماید این است که وی چگونه می‌بایستی با وضعیت موجود و با حاکمیت قوانین موضوعه و سایر الزامات قانونی که در این خصوص وجود دارد خود را تنظیم کرده و دعاوی مناسب را طرح یا از دعاوی مطروحه علیه موکل خود دفاع کند. لزوماً جلب این هدف نیازمند اطلاع وی از مقررات و الزامات قانونی است که در این خصوص وجود دارد چه در غیر اینصورت وی نخواهد توانست به نحو شایسته حق موکل خود را استیفا کند.

### روند شکل گیری و تکامل شعب ویژه اصل ۴۹ ق.ا.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام راحل (ره) در مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ ضمن یک فرمان که بعدها تعبیر به «حکم حکومتی» شد چنین مقرر فرمودند: «شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیرقانونی، از بیت‌المال مسلمین اختلاس نموده‌اند به نفع مستضعفین و کارگران و کارمندان ضعیف

مصادره نماید...»

در مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید. آیین‌نامه مرقوم مشتمل بر ۳۴ ماده و ۲۲ تبصره، در برگیرنده حدود صلاحیت دادگاه‌های انقلاب و نحوه رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در این خصوص بود. براساس ماده ۴ آیین‌نامه، شعب دادگاه انقلاب از ۳ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل تشکیل می‌شد. اعضای اصلی عبارت بودند از:

الف) یک قاضی شرع به پیشنهاد شورای انقلاب و تصویب امام

ب) یک قاضی دادگستری به انتخاب قاضی شرع

ج) یک نفر مورد اعتماد مردم و آگاه به مقتضیات انقلاب اسلامی با تعیین شورای

انقلاب

اعضای علی‌البدل نیز از میان اشخاص واجد صلاحیت در ماده یاد شده انتخاب

می‌شدند.

احکام دادگاه در صورت عدم حضور متهم در جلسات رسیدگی غیابی محسوب و در صورت اعتراض رسیدگی به آن در همان دادگاه صادرکننده رأی صورت می‌پذیرفت. ضمناً احکام صادره قطعی و بدون تجدیدنظر بود. حدود اختیارات دادرسی‌های انقلاب اسلامی نیز از ماده ۱۴ به بعد آیین‌نامه پیش‌بینی گردیده بود. تعداد بسیاری از احکام مربوط به عمال رژیم گذشته با صدور کیفرخواست توسط دادرسی‌های انقلاب وقت توسط شعب دادگاه‌های انقلاب صادر و به مرحله اجرا درآمد.

با تصویب اصل ۴۹ قانون اساسی و مآلاً تعیین مصادیق اصل مرقوم و تصویب مقرراتی قانونی در همین چرخه، از جمله قانون الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۰/۵/۲۰ و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷، شعب ویژه اصل ۴۹ در شکل جدید آغاز بکار کرد. حدود صلاحیت شعب ویژه اصل ۴۹ با نصب العین داشتن تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی شامل رسیدگی به وضعیت این افراد که در رژیم گذشته مصدر کار بوده‌اند می‌شده؛ کارمندان ساواک منحل، اعضا و فعالین تشکیلات فرماسونری و مرتبطن با سازمان‌های جاسوسی، وزراء و معاونین آنها، استناداران، سفراء، رؤسای بانک مرکزی

و بانک‌های خصوصی و دولتی، مدیران سازمان‌های دولتی، نمایندگان مجلسین سابق، رؤسای دیوانعالی کشور و دادستان‌های کل کشور و رؤسای دادرسی و دادستان‌های ارتش، امرای ارتش و ژاندارمری و شهربانی، صاحبان کارخانه‌ها، کاباره‌ها و دایرکنندگان اماکن فحشا و صاحبان سینما و تئاتر و استودیو، اشخاص ناظر بر طرح مراکز چوَن سازمان زندان‌ها، مراکز اطلاعاتی، پایگاه‌های سسری و مقاطعه کارانی که خارج از میزان مقرر و بدون رعایت ضوابط ظرفیت ارجاع کار در یک گروه، ظرفیت ارجاع کارشان تغییر داده شده است. اشخاصی که دارای نمایندگی انحصاری شرکت‌های بزرگ خارجی بوده‌اند، شرکت‌های پیمانکاری و ساختمانی و مهندسی و بازرگانی از اقربای پهلوی یا اقربای درجه یک نظامات مملکتی بشرح قانون منع مداخله کارکنان مصوب ۱۳۳۷ در آن صاحب سهم بوده‌اند و کلیه اشخاصی که مبادرت به فروش یا تصاحب اراضی موات و مباحات اصلی کرده‌اند. براساس ماده ۵ قانون، دادستان موظف بود دلایل نامشروع بودن اموال افراد یاد شده را احصاء و به دادگاه اعلام تا حکم مقتضی در این خصوص صادر گردد.

در اوایل سال ۱۳۶۱ و به منظور بررسی دقیق تر راجع به احکام دادگاه‌های انقلاب اسلامی با محوریت موضوع احصاء شده در موارد فوق، دادگاه عالی انقلاب اسلامی که مقر آن در شهر قم بود ایجاد تا نسبت به احکام صادره از محاکم انقلاب و نوعاً ناظر بر مصادره اموال رسیدگی مجدد (تجدید رسیدگی) گردد. تعدادی از احکام صادره از شعب دادگاه‌های انقلاب توسط دادگاه عالی نقض و یا با ایراد نقص در احکام صادره تجویز به شروع رسیدگی گردید. دادگاه مذکور تا زمان هیأت‌های قضایی مجری فرمان حضرت امام(ره) دایر بود.

در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ حضرت امام راحل(ره) با صدور دستوری به عنوان آیه‌ا... موسوی اردبیلی که در آن زمان مسؤولیت دیوانعالی کشور را به عهده داشت مقرر کردند که کلیه اموال مجهول‌المالک که از پیدا شدن صاحبان آنها ایجاد یأس شده تحت نظارت هیأتی مرکب از نماینده رییس دیوانعالی کشور و نمایندگان رییس جمهور و نخست وزیر به فروش درآید و در مصرف شرعی آن که فقرا هستند برسد. ضمناً تأکید گردید که خانواده‌های شهدا و مباران‌ها و سیل‌زدگان اولی هستند و آنچه در معرض تلف است و

امید به پیدا شدن صاحبانش نیست با نظارت هیأت مذکور فروخته شده و برای صاحبانش نگهداری شود. با این دستور عملاً هیأت‌های قضایی مجری فرمان حضرت امام (ره) تشکیل گردید. شعب رسیدگی کننده مرکب از قضات منصوب از ناحیه شورای عالی قضایی وقت متولی تعیین تکلیف راجع به اموال رها شده افراد و نوعاً مجهول المالک بودند قضات این هیأت‌ها پس از احراز عدم حضور مالک در ایسران و به منظور پرهیز از تضییع مال، نسبت به صدور رأی فروش اموال و نگهداری وجه حاصل از فروش در حساب امانی اقدام می‌کردند. احکام هیأت‌های یاد شده با تأیید آیت ا... موسوی اردبیلی قطعی و لازم الاجرا بود. این هیأت‌ها تا سال ۱۳۶۸ نیز دایر بودند.

در مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۶ حضرت امام (ره) طی نامه‌ای خطاب به آقای عسگر اولادی، حجج اسلام آقایان مهدی کروبی و حسن صانعی را به عنوان نمایندگان خود راجع به وجوه و اموال مجهول المالک، بلاصاحب، ارث بلا وارث و اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است نصب کردند و مقرر گردید نامبردگان از طرف ولی فقیه هرگونه صلاح می‌دانند در تمام ابعاد فروش، نگهداری و اداره مال اختیار داشته باشند و نیز تأکید شد که کلیه درآمدهای حاصله در موارد مقرر شرعیه مصرف شود و در حد توان به بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مسکن، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، طرح شهید رجایی و بنیاد جانبازان و موارد دیگر مورد نظر کمک و مساعدت شود. با این دستور عملاً ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) تشکیل گردید. در واقع ستاد مرقوم به عنوان نهاد اجرایی اداره کننده اموال موضوع احکام شعب ویژه اصل ۴۹ در تمامی ابعاد فروش و نگهداری تعیین گردید. نکته مهم که در فرمان حضرت امام (ره) آمده بود مصادیق احصاء شده صلاحیت رسیدگی شعب ویژه بود که علاوه بر موارد مقرر در اصل ۴۹، در خصوص اموال بلاصاحب، ارث بلا وارث، مجهول المالک، تخمیس و خروج از ذمه نیز می‌بایستی تعیین تکلیف گردیده و حکم لازم صادر می‌شد.

به همین منظور و برای اینکه حکم قضایی لازم در این خصوص صادر شود امام راحل (ره) در مورخ ۱۳۶۸/۲/۲۸ طی نامه‌ای خطاب به آیه ا... موسوی اردبیلی، حجت الاسلام نیری را به عنوان قاضی پرونده‌های موضوع فرمان (اموال بلاصاحب، ارث

بلا وارث، مجهول المالک، تخمیس خروج از ذمه و اصل ۴۹) منصوب کردند و با این توضیح شعب ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی در تهران و مراکز استان‌ها تشکیل و قضاتی با ابلاغ ویژه مبادرت به صدور آرای موضوع اصل ۴۹ و فرمان امام (ره) کردند. آرای صادره پس از تأیید جناب حجت‌الاسلام نیری قطعی و لازم الاجرا بود. اموال مسبوق به سرپرستی نهادهای انقلابی له نهاد مرقوم تملیک و در غیر اینصورت به نفع ستاد اجرایی حکم لازم صادر می‌شد.

پس از ارتحال حضرت امام، مقام معظم رهبری طی دستور مورخ ۱۳۶۸/۶/۱۶ جناب آقای نیری را در سمت خود ابقا و به علاوه در مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۷ راجع به مصادیق اصل ۴۹ و سایر موضوعاتی که در حیطة و صلاحیت شعبه ویژه اصل ۴۹ بود دستوراتی را صادر کردند. بر این اساس در مطلع احکام صادره از شعب ویژه اصل ۴۹ اشاره به دستورات مورخ ۱۳۶۸/۲/۶، ۱۳۶۸/۱۶/۶ و ۱۳۷۰/۷/۱۷ می‌گردید.

در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ با توجه به کناره گیری جناب آقای نیری از سمت ریاست دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ مقام معظم رهبری طی دستورالعملی با تأکید بر واگذاری پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ به تشکیلات قضایی مقرر کردند که امر رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ توسط شعبی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تهران و مراکز استان‌ها صورت پذیرفته و قضات دادگاه‌ها با ابلاغ ویژه رییس قوه قضاییه منصوب گردیده و مرجع تجدید نظر آن شعبی از دادگاه‌های تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور باشد البته بعدها در عمل صرفاً شعب خاصی از تجدیدنظر نسبت به تجدیدنظر احکام صادره از دادگاه‌های اصل ۴۹ رسیدگی کردند همچنین مقرر گردید آیین‌نامه‌ای توسط رییس قوه قضاییه تصویب و به عنوان شیوه رسیدگی شعب ویژه در قالب جدید نصب العین قرار گیرد. آیین‌نامه مورد نظر در ۳۰ ماده و ۲۸ تبصره در مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۸ به تصویب رییس قوه قضاییه رسیده و برای اجرا ابلاغ گردید. نکته مهم در آیین‌نامه یاد شده، ماده ۲۲ آیین‌نامه است که مقرر داشته: «احکام صادره از هیأت‌های قضایی و محاکم رسیدگی کننده به پرونده‌های مربوط به فرامین حضرت امام و مقام معظم رهبری که تا تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ تنفیذ گردیده قطعی و غیرقابل تجدیدنظر (تحت هر عنوانی از قبیل وخواهی، اعاده دادرسی، فرجام خواهی و...) بوده و از هر حیث تابع مقررات و ضوابط حاکم بر زمان

صدور حکم می‌باشد»، بدین ترتیب احکام سابق الصدور تا تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ که توسط هیأت‌های قضایی و شعب ویژه اصل ۴۹ صادر و حسب مورد به تأیید آیه ا... موسوی اردبیلی و یا حجت‌الاسلام نیری رسیده از سوی محکومین پرونده غیرقابل اعتراض و غیرقابل رسیدگی مجدد می‌باشد. البته چنانچه ادعای حقی نسبت به این اموال از ناحیه اشخاص ثالث مطرح شود این ادعا در راستای رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲ دیوانعالی کشور قابل طرح در شعبه ویژه صادرکننده رأی می‌باشد و ماده ۲۲ آیین‌نامه متضمن منع رسیدگی مجدد راجع به شخص محکوم علیه پرونده است نه افرادی که در قالب اعتراض ثالث نسبت به اموال موضوع دادنامه صادره ادعای حق خود را مطرح می‌کنند.

#### دسته‌بندی احکام صادره از حیث تاریخ صدور

با توضیحی که داده شد احکام صادره توسط شعب ویژه اصل ۴۹ را می‌توان به دو دسته قبل از تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ و پس از آن تقسیم بندی کرد. با توجه به صراحت ماده ۲۲ آیین‌نامه احکام صادره قبل از این تاریخ قطعی است. مع الوصف با توجه به استقرار هیأت ۷ نفره رسیدگی به اشتباهات بین راجع به احکام صادره از شعبه ویژه، از سوی رییس قوه قضاییه که در رأس آن معاون اول ریاست قوه (سابق) بوده و در واقع نوعی اعمال ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه تلقی می‌گردد در صورتی که این هیأت احکام صادره قبلی و نیز احکام جدید صادره را که قطعی گردیده خلاف بین شرع بدانند با اعلام اشتباه پرونده را خدمت رییس قوه قضاییه ارسال تا در صورت تأیید رسیدگی مجدد صورت پذیرد. همچنین براساس ماده ۲۹ آیین‌نامه می‌توان از هیأت سه نفره موضوع این ماده در خصوص احکام سابق الصدور و نیز احکام جدید صادره رفع ابهام و رفع تعارض کرد. با این توضیح به غیر از اعمال رفع ابهام از حکم (در صورتی که ابهام زا باشد) و یا تعارض احکام (چنانچه حکم معارض صادر شده باشد) و یا رسیدگی پرونده در هیأت ۷ نفره امکان تجدید رسیدگی از ناحیه محکوم علیه نسبت به احکام صادره تا تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ وجود ندارد. در خصوص احکام صادره پس از این تاریخ نیز چنانچه حکم به قطعیت رسیده باشد (حسب مورد توسط شعبه ویژه تجدیدنظر، در

صورت تجدیدنظر خواهی و یا شعبه دیوانعالی کشور با فرض فرجام خواهی) چنانچه احکام صادره مشمول اشتباه بین باشد می‌توان موضوع را در هیأت ۷ نفره طرح و یا چنانچه احکام صادره مبهم باشد یا احکام معارض صادر شده باشد می‌توان از هیأت سه نفره موضوع ماده ۲۹ رفع ابهام و رفع تعارض کرد. پس قلمرو و حیطة عملیاتی وکیل در این گونه احکام صرفاً از حیث میزان سرپرستی و خمس و یا تخصیص مستثنیات و مانورهای حقوقی در محدوده حکم و اجرای آن می‌باشد. مثلاً چنانچه نهاد مربوطه در کارشناسی اموال برای تعیین خمس و سرپرستی مراقبت لازم را معمول نداشته می‌توان به آن اعتراض کرده و رأساً تقاضای اجرای حکم را به وسیله قاضی اجرای احکام خواستار شد.

لازم به ذکر است که در حال حاضر دو شعبه تجدیدنظر (۲۱، ۳۶) در دادگاه انقلاب مستقر بوده که کلیه پرونده‌های اصل ۴۹ در تهران و یا مراکز استان‌ها جهت رسیدگی تجدیدنظر به این دو شعبه ارجاع می‌گردد.

### تقسیم بندی احکام صادره از حیث نوع و جنس احکام

بطور کلی احکام صادره توسط شعب ویژه اصل ۴۹ را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱- احکام مصادره، ۲- احکام تملیکی و ۳- احکام ناظر بر تعلق خمس و حق

سرپرستی

#### ۱- احکام مصادره

براساس ماده ۱۱ آیین‌نامه، اموال افرادی که از کشور خارج و با گروهک‌های محارب و جواسیس سیا و مانند آنها در ارتباط باشند از امان خارج و با حکم دادگاه مصادره می‌شود. در مورد این عده وکیل یا ولی قهری اعتباری ندارد.

درخصوص این عده و نیز مصادیق حکم حکومتی حضرت امام (ره) (وابستگان نزدیک رژیم گذشته) که حکم مصادره اموال در خصوص آنان صادر می‌گردد، با احراز استحقاق برای آنان مستثنیاتی شامل منزل مسکونی متعارف و اثاث البیت در نظر گرفته خواهد شد. البته لازم به ذکر است که تخصیص مستثنیات عادتاً منوط به مراجعه محکوم علیه حکم



است (ماده ۱۹ آیین‌نامه و تبصره ۱ آن) همچنین گفته می‌شود که احکام حکومتی قابل تسری به اقارب است اگرچه در احکام صادره اقارب محکوم نیز مشمول تلقی می‌شوند لیکن قید اقارب در این گونه احکام خصوصیتی ندارد و چنانچه اقارب محکوم (شامل زن، والدین و فرزندان) اثبات کنند که از ناحیه محکوم علیه دادنامه تحصیل مال نکرده‌اند از شمول حکم خارج خواهند شد. این معنا به خوبی از دستورات مکتوب حاکم شرع شهید آیه ... قدوسی و آیه ... محمدی گیلانی و حجت‌الاسلام نیری پیداست که تسری رأی به اقارب منوط به تحصیل مال وی از ناحیه محکوم اصلی است.

## ۲- احکام تملیکی

افرادی که تا پایان جنگ تحمیلی از کشور خارج و اموالشان تحت سرپرستی قرار گرفته باشد و دلیلی علیه آنها به دست نیامده اموالشان به نام ستاد اجرایی تملک و پس از کسر مطالبات دولت و خمس و سرپرستی بقیه در حساب امانی باقی می‌ماند تا در صورت مراجعه خود و یا وکیل به آنها مسترد شود (ماده ۱۳ آیین‌نامه) ملاحظه می‌شود ماهیت این نوع احکام نوعی سلب مالکیت از عین مال و پرداخت بهای مقوم تاریخ قطعیت رأی پس از کسور خمس و سرپرستی است.

چنانچه قبل از تملیک اموال به نام ستاد اجرایی، مالک، ورثه و یا وکیل آنان به دادگاه مراجعه و آمادگی خود را برای پرداخت محکوم به اعلام کند دادگاه ضمن توقف کردن تملیک اموال، دستور لازم را جهت اخذ بدهی‌های موضوع دادنامه (حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ توقف) و تحویل اموال به آنان صادر می‌کند (تبصره ۲ ماده ۱۳ آیین‌نامه) با توجه به اینکه مصادیق این گونه احکام عادتاً افرادی هستند که بدحاظ تعیین تکلیف قطعی نسبت به مال آنان، مشمول حکم قرار می‌گیرند لهذا با مراجعه به کشور و با فرض عدم تملیک اموال به نام ستاد اجرایی مثلاً عدم اخذ سند مالکیت در خصوص اموال غیرمنقول) امکان اعاده عین مال به آنها کاملاً فراهم می‌شود در واقع در این موقعیت خاص حکم تملیکی مبدل به رفع توقیف و اخذ سرپرستی و خمس می‌گردد.

ملاک محاسبه حق سرپرستی، تقویم ارزش کارشناسی و منافع حاصله در زمان قطعیت رأی به ازای هر سال ۵٪ از تاریخ شروع سرپرستی تا تاریخ قطعیت حکم است و چنانچه از اموال سرپرستی عملی نشده باشد به ازای هر سال ۲/۵٪ اخذ خواهد شد (حق

سرپرستی غیرعملی) در خصوص سرپرستی غیرعملی ملاک محاسبه، ارزش کارشناسی اموال از تاریخ رها شدن مال و در صورت معلوم نبودن، از تاریخ صدور قرار سرپرستی لغایت قطعیت حکم است (ماده ۱۶ آیین نامه)

در صورتی که فردی قبل از پایان جنگ تحمیلی از کشور خارج و اموالش تحت سرپرستی واقع لیکن مدرکی علیه وی به دست نیامده باشد در صورت مراجعه مالک، وکیل، ولی قهری یا ورثه وی تا قبل از صدور حکم قطعی با اخذ حق سرپرستی و خمس (در صورت تعلق)، اموال به وی مسترد خواهد شد. (ماده ۱۵ آیین نامه)

در مورد صدور حکم تملیک و اخذ سرپرستی و خمس در صورت مراجعه مالک و عدم تکافوی مانده بهای مقوم یک منزل مسکونی از شمول خمس و سرپرستی معاف است. (تبصره ۴ ماده ۱۹)

بهای مقوم اموال موضوع این نوع احکام به مأخذ قطعیت رأی محاسبه خواهد شد پس چنانچه حکمی در سال ۷۷ صادر و در سال ۷۸ توسط جناب حجت الاسلام نیری تفهیم شده باشد در صورتی که مقرر باشد بهای مقوم اموال به مالک پرداخت شود به تاریخ کارشناسی سال ۷۸ به وی پرداخت خواهد شد بدهتاً خمس و سرپرستی نیز تا همین تاریخ برای وی محاسبه خواهد شد.

پس از صدور حکم به تملیک یا ضبط یا تحویل مال به مالک، تخلیه واحد مور نظر با اجرای احکام بوده و واحد مزبور ظرف مدت دو ماه ملزم به تخلیه، رفع تصرف و خلع ید خواهد بود. در این خصوص چنانچه متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن باشد و دلیلی هم ارایه کند در این صورت قاضی مجری حکم یک ماه به وی مهلت می دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه و در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ مهلت مذکور قراری دایر بر تأخیر اجرای دستور به قسمت اجرا ارایه نکند عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت. مقررات مربوط به دادرسی فوری در این خصوص لازم الرعایه می باشد (ماده ۱۷ آیین نامه). در مورد این ماده لازم بذکر است که بسیاری از واحدهای مسکونی و یا تجاری متعلق به مالک در اختیار متصرفین و مستأجرین مختلف (چه آنها که ایادی متعلق از مالک سابق داشته اند و چه ایادی متعلق از نهادهای سرپرستی کننده مال) با فرض صدور رأی به نفع نهاد مربوطه و یا اعاده مال به مالک، با توجه به منطوق ماده ۲۷ آیین نامه از متصرف و

یا مستأجر حسب مورد رفع ید گردیده و اموال مربوطه آزاد خواهد شد. در اینخصوص حتی اگر مغازه‌ای بدون فروش سرقفلی اجاره داده شده باشد مقررات روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ در این خصوص لازم الرعایه نبوده و مستأجر محکوم به تخلیه از طریق واحد اجرای احکام دادگاه انقلاب خواهد بود.

### ۳- احکام ناظر بر تعلق خمس و حق سرپرستی

در کلیه مواردی که حکم برائت فرد موضوع پرونده صادر گردیده مقرر می‌گردد که با پرداخت خمس و حق سرپرستی عین مال به وی اعاده شود، میزان خمس یک پنجم ارزش اموال محاسبه و نیز حق سرپرستی وفق ضوابطی که بیشتر اشاره رفت محاسبه و مال به وی مسترد خواهد شد.

یک باب منزل مسکونی متعارف از شمول خمس و سرپرستی معاف می‌باشد. چنانچه مقرر گردیده باشد دو خمس پرداخت شود (در مورد اموال مخلوط به حرام) دو خمس مربوط ۳۶٪ خواهد بود یعنی ابتدائاً یک خمس کسر و سپس از مانده مال (۸۰٪) یک خمس دیگر اخذ که جمعاً ۳۶٪ خواهد بود.

حق سرپرستی مقدم بر تخمیس است یعنی ابتدائاً حق سرپرستی نهاد مربوطه حسب مورد (سرپرستی عملی یا غیرعملی) محاسبه و سپس خمس مال اخذ خواهد شد. ماده ۳۰ آیین‌نامه مقرر داشته «محکوم علیه مکلف است حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ قطعیت رأی محکوم به را تأدیه کرده و یا با توافق محکوم له ترتیب پرداخت آن را بدهد در صورت استتکاف طبق قوانین و مقررات جاری عمل خواهد شد» رویه عملی شعب اجرای احکام دادگاه‌های ویژه درخصوص خمس و سرپرستی این است که در صورت عدم پرداخت وجوه موردنظر، حق سرپرستی یا خمس حسب مورد از عین مال اخذ خواهد شد.

**تحولات اخیر در ارتباط با اصلاح آیین‌نامه و الغای تنفیذ و کالتنامه‌های خارج از کشور**

**و کالت‌نامه‌های خارج از کشور:**

پیش از این با توجه به بخشنامه‌های متعدد دادستانی کل در ارتباط با ضرورت تأیید

وکالت نامه‌های ارسالی از خارج از کشور، وکالتنامه‌ها ابتدائاً به دایره تنفیذ وکالتنامه هدایت می‌گردید تا چنانچه سابقه حکمی و یا مشکل خاص دیگری متوجه موکل یا وکیل وکالتنامه نباشد تأیید و در غیر اینصورت دادگاه مربوطه تعیین تکلیف کند. لیکن در ابتدای سال جاری با تصمیمات متخذه توسط دادستانی کل کشور ضرورت تنفیذ وکالتنامه‌های ارسالی از خارج منتفی گردیده و در حال حاضر این نوع وکالتنامه‌ها اعتبار وکالتنامه‌های رسمی تنظیمی در داخل کشور را داشته و می‌تواند مستند رسمی نقل و انتقال توسط وکیل متن سند واقع شود. البته چنانچه موکل این نوع وکالتنامه از افرادی باشد که دارای سابقه حکمی بوده و یا ممنوع معامله باشد به لحاظ ضرورت رفع ممنوع معامله بودن و امکان امضای سند توسط وی از طرف دفترخانه به دادگاه انقلاب هدایت می‌گردد. بدهاتاً چنانچه فرد موردنظر دارای سابقه حکمی صادره باشد رفع ممنوعیت معامله از وی مشروط به تحصیل مال جدید پس از تاریخ حکم خواهد بود زیرا اموال وی قبل از تاریخ رأی مشمول حکم تلقی و امکان رفع ممنوعیت کلی برای وی فراهم نخواهد بود.

### اصلاح آیین‌نامه

در تاریخ ۸۶/۷/۲ ماده ۶ آیین‌نامه حذف و مواد ۵ و ۱۸ آن اصلاح و ۲ تبصره به ماده اخیر الحاق گردید. آیین‌نامه اصلاحی به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسید. ماده ۵ و ۶ سابق در فصل دوم آیین‌نامه دربرگیرنده صلاحیت دادگاه‌های اصل ۴۹ بود. مواردی که در مواد ۵ احصاء گردیده بود به قرار زیر می‌باشد:

- صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های موضوع اموال در اختیار ولی فقیه

- رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹

- رسیدگی به دعاوی اشخاص موضوع رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۷۱/۱۲/۲

همچنین ماده ۶ سابق که حذف گردید مصادیق اموال مربوط به ولی فقیه را شامل

می‌شد که عبارت بود از:

- اموال موضوع حکم حکومتی مورخ ۵۷/۱۲/۹ حضرت امام (ره)

- اموالی که در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه قرار

می‌گیرد

- کلیه وجوه و اموال مجهول المالک
- بلاصاحب و بلاوارث
- اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه در اختیار ولی فقیه قرار می‌گیرد
- اموال افرادی که از کشور خارج و با گروهک‌های محارب (گروه‌های باغی، صهیونیست‌ها و جواسیس سازمان سیا و مانند آنها) ارتباط دارند.
- در حال حاضر با حذف کل ماده ۶ و اصلاح ماده ۵ صلاحیت دادگاه‌های اصل ۴۹ منحصر به موارد زیر است:
- ۱- رسیدگی به اموال موضوع حکم حکومتی مورخ ۵۷/۱۲/۹ حضرت امام(ره)
  - ۲- رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹
  - ۳- رسیدگی به دعاوی اشخاص موضوع رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۷۱/۱۲/۲
  - ۴- رسیدگی به اموال افرادی که از کشور خارج و با گروه‌های محارب (گروه‌های باغی، صهیونیست‌ها و جواسیس سازمان سیا و مانند آنها) ارتباط دارند
- علاوه بر این، ماده ۱۸ آیین‌نامه نیز به شرح زیر اصلاح گردید:
- از تاریخ اصلاح این ماده اموال بجا مانده افرادی که از کشور خارج شده‌اند چنانچه مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی و ماده ۱۱ آیین‌نامه نباشد طبق قوانین جاری کشور در مراجع صالحه رسیدگی خواهد شد.
- تبصره ۱:** اجرای مفاد مواد فوق مشمول احکام سابق الصدور نمی‌شود.
- تبصره ۲:** پرونده‌های مربوط به اموال غیرمنقول و زمین‌های بزرگ که قبل از لازم الاجرا شدن این ماده به شعبه ویژه اصل ۴۹ دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارجاع شده است برابر مقررات زمان ورود ارجاع و رسیدگی می‌شود.
- با اصلاح مواد مرقوم در حال حاضر صرف خروج فرد از کشور موجبی برای تشکیل پرونده و مآلاً تعیین تکلیف اموال وی نمی‌شود، مگر اینکه فرد موردنظر از مصادیق احصاء شده در ماده ۵ اصلاحی باشد. ضمناً ماده ۱۸ مقرر کرد که رسیدگی توسط محاکم صالحه صورت خواهد پذیرفت اگرچه این ماده مرجع صالحه را معرفی نکرده است لیکن با توجه به عموماً مربوطه علی القاعده می‌بایستی این رسیدگی در مدار اختیارات اداره امور سرپرستی و شعبه دادگاه مستقر در آن باشد زیرا مرجع صالح برای رسیدگی به امور

غایبین دادگاه عمومی (ویژه امور حسبی) است که محل استقرار آن در دادسرای امور سرپرستی و صغار می‌باشد. در حال حاضر رسیدگی به این نوع پرونده‌ها در هاله‌ای از ابهام و بلا تکلیفی قرار دارد و عملاً این بخش رها شده است.

### دعاوی موضوع رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۷۱/۱۲/۲

بر اساس رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۷۱/۱۲/۲ هیأت عمومی دیوانعالی کشور رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به اموالی که دادگاه‌های انقلاب آن را مصادره کرده است در صلاحیت ذاتی شعبه صادرکننده رأی است. پیش از این به موجب رأی وحدت رویه ششماره ۵۷۵ مورخ ۷۱/۲/۲۹ دیوانعالی کشور مرجع صالح برای طرح این نوع دعاوی محاکم عمومی دادگستری تشخیص داده شده بود لیکن به فاصله حدود ۹ ماه رأی وحدت رویه سابق الغاء و با اعمال تجدید نظر در آن مرجع صالح و ذاتی برای طرح این نوع دعاوی، دادگاه انقلاب و شعبه صادرکننده رأی تشخیص داده شد شاید این نخستین باری باشد که هیأت عمومی دیوانعالی کشور در رأی قبلی خود تجدید نظر کرده و عملاً با الغای آن رأی دیگری را جایگزین کرده است. مع الوصف جای این سؤال باقی است که چنانچه ادعایی از ناحیه شخص ثالث در خصوص خمس مال محکوم طرح گردد آیا این موضوع در شمول رأی وحدت رویه قرار می‌گیرد و می‌بایستی این ادعا را در شعب ویژه اصل ۴۹ مطرح کرد یا خیر؟ از یک سو با توجه به صراحت عبارت مندرجه در رأی وحدت رویه به اینکة..... اموالی را که دادگاه‌های انقلاب مصادره کرده‌اند..... می‌بایستی قایل به این نظریه شد که ترتب خمس بر مال محکوم مصادره مال تلقی نمی‌شود و طرح این نوع دعاوی خارج از شمول رأی وحدت رویه تلقی می‌گردد ولیکن با توجه به رویه عملی و اینکه با فرض احاله این نوع پرونده‌ها به محاکم عمومی مرجع رسیدگی کننده مجدداً با استنباط از رأی وحدت رویه، پرونده را به دادگاه انقلاب اعاده می‌کند و نظر دیوانعالی کشور در موارد مشابه و اینکه به هر حال این ادعا به حکمی بر می‌گردد که از شعب ویژه اصل ۴۹ صادر شده و ادعای راجع به اموال موضوع این احکام در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ می‌باشد لهذا رسیدگی به این نوع ادعاها نیز در صلاحیت محاکم ویژه خواهد بود.

در حال حاضر تعداد بسیاری از افراد که به نحو عادی مبادرت به خرید ملک از محکومین دادنامه‌های صادره از شعب ویژه کرده‌اند و موفق به انتقال رسمی پلاک نگردیده‌اند و یا انتقال رسمی صورت پذیرفته لیکن خلاصه معامله به اداره ثبت ارسال نشده و در دفتر املاک ملک مورد نظر به نام ناقل قبلی پلاک می‌باشد، همچنین افرادی که بدون اطلاع از جعلیت سند مبادرت به خرید ملک کرده لیکن بعدها کاشف به عمل می‌آید که عملیات جااعلانیه نسبت به پلاک صورت پذیرفته ادعای خود را در شعب ویژه اصل ۴۹ مطرح می‌کنند و اقدامات احتیاطی از قبیل اخذ دستور موقت دایر بر منع نقل و انتقال پلاک یا ممانعت از فروش آن توسط نهاد ذینفع را مطرح و با پرداخت خسارت احتمالی عملاً اقدامات اجرایی را متوقف می‌کنند.

لازم به ذکر است که طرح دعوی در راستای رأی وحدت رویه ۵۸۱ می‌بایستی اصولاً در قالب اعتراض ثالث مطرح شود و شایسته این است که در ستون خواننده علاوه بر نهاد ذینفع (ستاد اجرایی و سایر نهادها) محکوم علیه دادنامه که اموال وی به نفع نهاد مربوطه مصادره گردیده نیز قید گردد و در صورت عدم اطلاع از آدرس وی، مجهول‌المکان عنوان و آگهی شود زیرا هر چند که بنابر تحلیلی نهاد ذینفع قایم‌مقام اموال همان محکوم تلقی و این دو یک شخصیت پیدا می‌کنند لیکن با توجه به اینکه به هر حال تنظیم مبیعه نامه و یا هر گونه توافق دیگر مسبوق به امضا محکوم علیه دادنامه به عنوان ناقل بوده و در حال حاضر از وی سلب مالکیت شده و نهادی دیگر جایگزین اموال وی شده لهذا تمایز و تفکیک در دو شخصیت موردنظر قابل قبول بوده و دعوی می‌بایستی به طرفیت هر دو طرح گردد.

نکته‌ای که در همین رابطه لازم به ذکر می‌باشد این است که بسیاری از افراد به عنوان خریدار با حسن نیت معاملاتی را با محکوم علیه دادنامه تنظیم و بعدها کاشف به عمل می‌آید که وی مثلاً ممنوع‌المعامله بود و یا اموال وی تحت سرپرستی قرار داشته و یا به نحوی حجر قانونی داشته و فاقد اهلیت لازم بوده است معمولاً چنانچه حسن نیت خریدار ثابت شود و وی بتواند اثبات کند که ثمن معامله را پرداخت کرده و اصطلاحاً خریدار با حسن نیت می‌باشد می‌تواند با استفاده از تبصره ۲ ماده ۹ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳ از تسهیلاتی برخوردار شود براساس این تبصره «در صورتی که

متصرف فعلی این گونه اموال و دارایی از جمله اشخاصی باشد که نیاز او ضرورتاً به استفاده از مال معزز بوده و در صورت استرداد دچار عسر و حرج خواهد شد، با عنایت به مصالح مجتمع اسلامی و بنابه تشخیص حاکم شرع تصمیمات مناسب اتخاذ خواهد شد.» در حال حاضر شعب رسیدگی کننده به پرونده چنانچه فرد موردنظر را خریدار با حسن نیت تشخیص دهند با اعمال مساعدت به وی معامله منعقدہ را تأیید و حسب مورد با تشخیص شعبه رسیدگی کننده و درجه اعمال مساعدت، خریدار با حسن نیت را ملزم به پرداخت ثمن روز مبیعه نامه، یا قیمت عادلانه پلاک و یا اولویت برای خرید پلاک از نهاد ذینفع می کنند.

#### الغای بخشنامه مربوط به ضرورت تنفیذ و کالتنامه های ارسالی از خارج از کشور

پیش از این براساس بخشنامه هایی که از سوی دادستانی کل کشور به سازمان ثبت اسناد و املاک ابلاغ شده بود ضرورت داشت و کالتنامه های تنظیمی در خارج از کشور جهت بررسی و تنفیذ و کالتنامه به واحد مخصوصی در دادگاه ویژه اصل ۴۹ و به تصدی قاضی مربوطه ارسال تا پس از بررسی سوابق وکیل و موکل چنانچه مانع قانونی وجود نداشته باشد مفاد و کالتنامه تنفیذ و در غیر این صورت برای بررسی به یکی از شعب ویژه ارسال شود. در فروردین ماه سال جاری دادستانی کل کشور با ابلاغ بخشنامه ای موضوع ضرورت تنفیذ این نوع و کالتنامه ها را متفسی اعلام کرد و نتیجتاً در حال حاضر کلیه و کالتنامه هایی که در خارج از کشور تنظیم می شود بدون اینکه نیازی به مراجعه وکیل متن و کالتنامه به دادگاه ویژه اصل ۴۹ و تنفیذ مندرجات آن باشد به عنوان سند رسمی همانند سایر و کالتنامه های رسمی که در داخل کشور تنظیم می گردد قابلیت ارایه به دفاتر اسناد رسمی به منظور انتقال پلاک یا تحصیل هر نوع مال دیگری را دارد.